

پیشخوان

به بهانه باز نشر اثر تاریخی -پژوهشی «زندگانی اشرف پهلوی»

گذری بر کارنامه «پلنگ سیاه»

■ نیما احمدپور



باز خوانی هویت و کارنامه رژیم پهلوی بدون خوانش و بررسی زندگینامه اشرف پهلوی تمام است، چه اینکه مافیای سیاسی و اقتصادی وی، از علل تداوم حیات این رژیم در گذرگاه‌های مهم تاریخ آن به شمار می‌رود. هم از این روی پهلوی‌پژوهان معاصر، هر یک به فراخور دانش و توان خویش، این نکته را مورد توجه قرار داده‌اند. در سالیان اخیر مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مجموعه کتب خویش برای نوجوانان، به انتشار زندگینامه مجمل اشرف پهلوی مبادرت ورزیده است. این اثر «پلنگ سیاه» نام دارد و به قلم نصیر مشایخ تألیف شده است. دیپاچه این کتاب، آینه‌ای است از علل اهمیت این گونه آثار و چند چون سامان یافتن آن: «زندگی با حقیقت‌های اسطوره‌ای و نمادهای شورآفرین نشاط می‌یابد، تحرک می‌آفریند و هدفمند می‌گردد. نسلی که از گذشته خویش بترد چونان گیاهی بی‌ریشه خواهد شد که با وزشی از جا کنده می‌شود. آیندگان هر چه بیشتر ریشه در اعماق تاریخ خویش فروبرند، شاخه و برگ محکم‌تر و بیشتری در آسمان زندگی می‌گسترانند. کمتر ملت و مکتبی همانند ایران اسلامی از اسطوره‌ها و نمادهای زندگی‌ساز بهره‌مند می‌باشد، وظیفه فرهیختگان است که فرهنگ گذشته را به آینده منتقل کنند و لازمه این عمل، انتخاب زبانی است که نسل جوان آن را دلپذیر بیابد؛ و ما ساده‌نویسی را برگزیدیم. ساده‌نویسی روشی وحیانی است؛ مافران را با شیوه‌ای ساده بیان کردیم. سادگی آیات الهی را در شعر عرب و حتی در کلام پیامبر(ص) نمی‌توان دید. از این رو، قرآن کتاب بی‌و... لقب یافته است و آنچه بر اهمیت آن می‌افزاید، این است که کتاب الهی در عین سادگی، از وزانت علمی بی‌نظیری



اشرف پهلوی در کنار محمدشاه پهلوی و فرزندها

برخوردار می‌باشد: ای پیامبر! ما بر تو سختی وزین نازل می‌کنیم... و همین امتزاج سادگی و سنگینی است که گذشت زمان از تاریگی آن نکاسته است.» در بخش دیگری از این مقدمه، چند و چون تدوین و انتشار این پژوهش، این گونه تشریح شده است: «مرکز اسناد انقلاب اسلامی به حکم رسالتی که بر دوش دارد، مصمم است تا با زبانی شیوا اما محتوایی مستند، زندگی‌نقش آفرینان و آفریده‌شده‌ها را برای جوانان ترسیم کند. این نوع نگارش که بر پایه مستندات تاریخی و نشر ادبی و در نهایت معطوف به خواننده خاص و جوان است، خودسبکی خاص است که شخصیت‌ها، رویدادها و مفاهیم و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار در انقلاب اسلامی را به روان‌ترین شکل آن به آیندگان و جوانان معرفی می‌نماید. امیدواریم که مورد قبول جوانان و رضای خداوند بزرگ قرار گیرد! آنچه پیش رو دارد روایتی مستند از زندگانی یکی از سرمستان باده قدرت است که روزگاری دراز بر مسند ملک و مال و بی‌پروایی روزهای افول تکیه زده بود و اکنون از آن ایام قدرت گسلازی، تنها خاطراتی به یاد دارد. داستان چنین زندگانی اشرافی و شاهانه اما بدفرجام، حکایت مکرز تاریخ است که به درازی عمر جهان بر گوش فراموش عهد و پندنشوی بسیاری رزمه زمه شده است و از آن درس و پند نگرفته‌اند و آن را در لحظه، لحظه زندگانی خود تجربه کرده‌اند تا به سزای نابوری خویش، پهلای سسگین بپردازند که چنین است رسم سرای درشت!» باشد که «پند گیرد و صاحب هوش. شایسته است از ریاست محترم مرکز اسناد انقلاب اسلامی و دست‌اندر کاران معاونت پژوهشی این مرکز سیاست‌گذاری کتم و از دوست خوبم آقای حسین کبیاحی‌رتی که مرا در تهیه این کتاب یاری داده‌اند سپاسگزار باشم».

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۳۴۱۶۵۴

■ شکوه‌السادات سمیعی

آنچه پیش روی شماست، به بازخوانی رویدادی مغفول در تاریخ انقلاب اسلامی در خراسان می‌پردازد. در این روز بانوان مسلمان شهر مشهد در سالگرد کشف حجاب رضاخانی، به خیابان‌ها آمدند و آنز جار خود را از این تصمیم رضاخان نشان دادند. ذکر این نکته ضروری است که این مقال نخست به همایش «تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی» ارائه شد و اینکه به مناسبت تاریخی، در این صفحه درج می‌شود.

■ ■ ■

■ تأثیر جریان روشنفکری در تجددگرایی و دین‌زدایی

سابقه طرح و پیشنهاد کشف حجاب به دوران ناصرالدین شاه بازمی‌گردد. به نوشته میرزاحسن جابری اصفهانی (سیاستمدار و مورخ عصر قاجار)، روشنفکران فرنگ‌رفته به ناصرالدین شاه پیشنهاد دادند که کشف حجاب را در کشور معمول دارد. آیت‌الله حاج‌ملاعلی کنسی (فقیه وارسته و پرنفوذ وقت تهران) پس از اطلاع از این موضوع به شاه چنین پیام داد: «هر گاه کشف حجاب را در دربار خودت جاری ساخته و همسر ت را مکشفه و بی‌حجاب برون آوردی، در کشور هم همین کار را بکن». او با طرح این سخن، در واقع اجرای کشف حجاب در کشور را تعلیق به محال کرد زیرا انیس‌الدوله (همسر و سواگی حرم) به طور قطع حکم اسلام و شرع را بر فرمان ملوکانه ترجیح می‌داد و این موضوع را در نهضت تحریم تنباکو به خوبی ثابت کرده بود اما سرانجام نزدیک به ۴۰ سال بعد، رضاخان زنان دربار را در مراسمی که به همین منظور برگزار شده بود، واداشت بدون پوشش اسلامی شرکت کنند و به این ترتیب، سناریوی کشف حجاب را در ایران اجرا کرد. در این زمینه یکی از کارشناسان استعمار بریتانیا گفت: «با این اقدام کاری کردیم که دیگر اتفاقی که در دربار ناصرالدین‌شاه به جهت موضع‌گیری زنان در مقابل تحریم تنباکو رخ داد، تکرار نشود».

■ سفر سرنوشت‌ساز رضاخان

از منابع مختلف برمی‌آید که رابطه عاطفی صمیمانه‌ای بین رضاشاه و آتاترک وجود داشت. رضاشاه در دوره سلطنت ۱۶ ساله خود تنها یک بار به خارج از کشور سفر کرد که یکی از ثمرات آن ایجاد تغییر اساسی در سرنوشت زنان بود. او در این سفر، چند روز بیش از موعد مقرر در ترکیه ماند و به قدری مجذوب طواهر ترکیه و پوشش مردم آن دیار شد که از همان جا با سال تلگراف به دولت ایران درباره تغییر



در سال‌های آغازین دهه ۵۰، فضای اجتماعی موجود در شهرها چنان عرصه را بر نیروهای متدین و مبارز تنگ کرده بود که به نظر می‌رسید طغیان آنها در انتظار کوچک‌ترین تلنگر و از هر نظر آماده بروز است. به تبع همین وضعیت، در زمستان ۱۳۵۶، مدرسه «اسلام‌شناسی بانوان» در مشهد، همیای رخدادی به یادماندنی برای این رخ شهر بود...



مروری بر یک رویداد مغفول در تقویم تاریخ انقلاب اسلامی در خراسان

دی ۵۶ تجلی خشم بانوان خراسانی علیه کشف حجاب

نوع پوشش و کلاه مردان در ایران دستوراتی صادر کرد. علی‌اصغر حکمت، یکی از طراحان و مجریان اصلی کشف حجاب در ایران، در کتاب خود با عنوان ۳۰ خاطره از عصر فرخنده پهلوی، خاطراتی را درباره مقدمات رفع حجاب، تشکیل کانون بانوان و شرح مراسم ۱۷ دی ۱۳۱۴ و بعد از آن نقل کرده است. وی که در آن زمان مسئولیت حساس وزارت معارف را به عهده داشت، نقش اصلی و عمده‌ای در طراحی و پیشبرد این مراسم ایفا کرد. حکمت در خاطرات خود ضمن بیان تأثیرات سفر به ترکیه در ذهن و اندیشه رضاخان می‌نویسد: «سرانجام در آبان ۱۳۱۴ روزی که ایشان از شاه‌آباد از سفر مازندران مراجعت می‌کردند، بعد از تعارفات معمول رو به من کردند و گفتند: فلائی، بگو ببینم در باب رفع حجاب چه کردیدی؟ وی در جای دیگری به صراحت بیان کرده که چگونه به عنوان وزیر معارف روز، محل و مکان جشن ۱۷ دی و نحوه حضور زنان دربار در این جشن را به رضاشاه پیشنهاد داده است.

■ منع حجاب تحت‌لوی روز آزادی زن

در نهایت طی مراسمی در دی ۱۳۱۴ برای اولین بار، با حضور خانواده شاه، کشف حجاب علنی به نمایش درآمد و سپس از سوی شاه به شکل کردید؟ وی در حجاب منع شد. در مراسم روز ۱۷ دی که «روز آزادی زن و کشف حجاب» نامگذاری شد، علاوه بر زنان خانواده پهلوی، تعداد دیگری زنان بدون حجاب نیز شرکت داشتند. بعدها محمدرضا پهلوی با اشاره به این موضوع در کتاب خود نوشت: «ایران پس از ترکیه، دومین کشور مسلمانی بود که رسماً حجاب را ممنوع ساخت.»

■ آثار فرهنگی ممنوعیت حجاب در جامعه

با پیشرفت بیشتر و اجرای کامل کشف حجاب مشخص شد که برخلاف تبلیغات گسترده‌ای که در جهت آزادی زنان بود، تنها دست‌آورد مشهود این برنامه، تلاش برای غربی کردن زن ایرانی است. مشخصه اصلی این دوران برخورد‌های فرهنگی و سیاسی بود که چهره فردی و اجتماعی بانوان ایران را دگرگون کرد و آثار زیادی در آن باقی گذاشت. با انتقاد افراطی از گذشته زنان ایرانی، صدماتی به هویت آنها وارد شد که بیش از اینکه این هویت با نیازهای جامعه هماهنگ باشد یا در مسیر استقلال ملی و فرهنگی تنظیم شود، با خواسته‌های سلطه و فرهنگ بورژوازی غرب گره خورده بود به طوری که سرانجام، بین زنان ایران تفرقه و پراکندگی عمیقی ایجاد شد که هنوز هم آثار آن مشهود است. به بیان دیگر، بخش عظیمی از زنان ایران در دنیا سابق باقی ماندند، گروهی به

کلی غربگرا و بی‌تفاوت شدند و عده‌ای نیز بین این دو جناح قرار گرفتند و به طور مطلق به هیچ کدام تعلق پیدا نکردند. پس از اعلام رسمی کشف حجاب، دولت و سایر دستگاه‌های اجرایی در کشور موظف شدند برای پیشبرد این طرح در شهرها بکوشند. به همین منظور، از اقدامات تبلیعی و انتظامی در نشر به عهده بهره‌گیری شد. حتی مسئولان در بسیاری از موارد کاربرد قوه قهریه را نیز در اولویت قرار دادند. نگاهی به مقالات مجله‌های آن دوران نیز از ابتدا تا انتها مبین این مطلب است که نویسندگان این نشریات، پس از جلوس رضاخان بر اریکه قدرت، تعلیم و تربیت زنان را با تحکم در قضیه کشف حجاب جست‌وجو می‌کردند و در ترویج فرهنگ آن می‌کوشیدند. صادق بورجودی در مقاله «اقدامات تبلیعی و انتظامی در نشر به عالم نسوان نوشت: «بهتر این است زن‌های ایران هم مثل زن‌های ترکیه از آن فن‌کن در اسلام جز بدعتی نیست و اسمش را حجاب گذاشته‌اند، بیرون بیایند و اجتماعات مملکت را دو برابر کنند؛ یعنی ایرانیان نیم‌مرده کفن‌پوش خود را جزو زنده‌ها معرفی نمایند و زیاده بر این، نادانی و چهل خود را در تمام‌روی زمین ثابت نکنند.»

■ واقعه مسجد گوهرشاد و موج نفرت و سرخوردگی مردم

یکی از اتفاقات مهم تاریخی که از پیامدهای کشف حجاب در ایران و نیز عامل افزایش ناراضی‌ها به شمار می‌رود، قیام مسجد گوهرشاد است که نمود بی‌نظیری از اعتراضات مردمی به منع حجاب و نیز پوشش جدید مردان را به نمایش گذاشت. در ۱۹ تیر ۱۳۱۴ به مناسبت اعمال فشار مأموران دولتی برای کشف حجاب و اقدام آنها در کشیدن جادر از سر زنان، تظاهرات وسیعی در مشهد برپا شد که کانون اصلی آن در مسجد گوهرشاد و گرداننده تظاهرات، روحانی جوانی به نام شیخ پهلول بود. در این روز، ساعاتی از گردهمایی مردم نگذشته بود که نظامیان به مسجد وارد شدند و با دستور فرمانده نظامیان به مردم تیراندازی کردند. به این وسیله، در شهر مشهد کشتار وحشیانه‌ای مردم نگذشته بود که نظامیان به مسجد تیراندازی کردند. به این وسیله، در شهر مشهد کشتار عظیمی روی داد که تا آن روز در ایران کم‌سابقه بود. حتی با درمبانی متولی حرم نیز تیراندازی نداشت و فرماندهان طبق دستوری که از مرکز ابلاغ شده بود، مصمم بودند با حمله به مسجد این غائله را پایان دهند. کشتار مسجد گوهرشاد مشهد، مردم را هر چه بیشتر متوجه روند اجرای خشونت‌آمیز کشف حجاب کرد. این واقعه در آن اوضاع می‌توانست آغازگر نهضتی علیه سلطنت پهلوی باشد و سبب بروز شورش‌های فراگیر و عظیمی در سراسر کشور شود اما نداشتن رهبری



عده‌ای از زنان عشارین سر از کشف حجاب در حضور رضاخان

واحد، این امر را در آن دوران محقق نکرد.

■ وضعیت اجتماعی زنان و ایجاد محدودیت برای آنها

عملکرد زنان در برابر کشف حجاب، بسته به سطح طبقه اجتماعی آنها متفاوت بود. زنان اشراف و رجال درباری اگر چه بیشتر در ۱۷ دی ۱۳۱۴ رفع حجاب پرداختند اما در فراهم آوردن زمینه کشف حجاب یا پیشبرد آن در مقایسه با زنان طبقه روشنفکر و تحصیل کرده که با نظام جدید آموزشی و سیر تجددگرایی ارتباط بیشتری داشتند، فعالیت چشمگیری نکردند. در حقیقت، برای آنها مسئله حجاب از نظر تجددگرایی مطرح نبود، بلکه بیشتر برای حفظ موقعیت سیاسی و اداری همسران خودرفع حجاب کردند و از عاملان اجرای این طرح شدند.

در مقابل این دو دسته، زنان سایر طبقات شهری قرار داشتند که واکنش آنها در برابر کشف حجاب منفی بود و حاضر به ترک جادر نشدند. به همین دلیل، پلیس نیز مأموریت داشت با شدت هر چه بیشتر با آنان برخورد کند، به طوری که «چادر از سر زنان برمی‌داشت و به ضرب و جرح آنان می‌پرداخت.» در مشهد خانواده‌های متدین در منزل خود حمام ساختند تا همسرانشان مجبور نباشند حتی برای رفتن به حمام از خانه خارج شوند. بانوان هنگام شب آن هم خیلی دیروقت به زیارت امام رضا(ع) می‌رفتند و در میان آنان زندگی بودند که تا شهریور ۱۳۲۰ از خانه خارج نشدند و حاضر نبودند بی‌حجاب در اجتماع حاضر شوند. دولت آموخته بود چگونه از نیروی زنان علیه عناصر مخالف استفاده کند زیرا زنان مؤثرترین سلاح سیاسی و از ظرفیت عاطفی شدیدی برخوردار بودند. در زمانی که هیچ‌کس از آزادی واقعی برخوردار نبود، آنان را با شعار آزادی در جهت منافع خود قرار دادند و ادعا کردند زنان را از سیاه‌چاله‌های قرون وسطایی بیرون کشیدند.

■ شیوه جدید دین‌زدایی در دوران حکومت پهلوی دوم

این روال تا شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت تا اینکه در دوره پهلوی دوم، مبارزه با حجاب به شیوه جدیدی دنبال شد. هدف این مبارزه، روبروایی با ریشه‌های فرهنگ دینی بود. اگر در آغاز سيطرة رضاخان پیاده کردن این طرح به زور سرزنیه و دیکتاتوری نیاز داشت، در دوران حکومت فرزندان خو، دادن زنان به آن و پذیرش تدریجی‌اش از سوی گروه‌هایی از مردم، موجب ایجاد نگرشی خاص در باورهای فرهنگی و اجتماعی شد. زنان ایرانی تا پیش از کشف حجاب، همچون مردان حقوق سیاسی نداشتند و پس از کشف حجاب نیز تا مدت مدیدی به حقوق سیاسی قابل مقایسه با مردان دست نیافتند. ورود زنان به صحنه‌های اجتماعی، ماهیتی جز فریب نداشت. بعدها امام خمینی که نه از آزادی زنان بلکه از عوام‌فریبی رژیم مخالف بود، اعلام کرد: «با هر ترقی زن‌ها کارهای غلط مخالفیم، مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زن‌ها داشته باشند» مگر آزادی مرد و آزادی زن با لفظ درست می‌شود؟... ما می‌گوییم زن‌ها را به اسم آزادی و ترقی به فساد نکشید و منحرف نسازید. شما حساب کنید در این بیست و چند سالی که از این کشف حجاب مفتضح می‌گذرد چه چیزی عاید زن‌ها شده؟ چه چیزی عاید مردها شده؟ چه چیزی عاید این مملکت شده است؟»

■ تمرکز نیروهای ناراضی در شهرهای مذهبی

در این اوضاع اتفاقی جدیدی که در شهرهای مذهبی مثل مشهد و قم رخ داد، تمرکز تدریجی نیروهای مذهبی و ناراضی از وضعیت موجود بود. این نیروها به طور طبیعی منفعل و خشن باقی نماندند و در هیچ شرایطی، از فعالیت برای جاری کردن احکام اسلام در جامعه دست نکشیدند. تأسس مدارس مختلف مذهبی، برگزاری جلسات و مراسم سیاسی و دینی، فعالیت‌های زیرزمینی شامل توزیع و تکثیر پیام‌های امام از اقصای مختلف اجتماعی مثل دانشجویان، زنان و حتی کودکان، شاهدهی بر این مدعاست. از مراکز مهم تربیت و آماده‌سازی افراد برای اهداف مذهبی و سیاسی این نیروها، مدارس اسلامی بود که سال‌ها پیش از انقلاب، فعالیت خود را در این زمینه آغاز کرده بودند. در خصوص بانوان، تأسیس ۱۲ مدرسه اسلامی در آن سال‌ها، اهمیت تلاش زنان متدین مهاجر یا مجاور شهر مشهد را نشان می‌دهد. به همین دلیل، سواک همواره مسئولان، مدرسان و طلاب این مدارس را تحت نظر داشت و گاهی محدودیت‌ها و مزاحمت‌هایی نیز برایشان ایجاد می‌کرد.

■ شکل‌گیری قیام ۱۷ دی ۱۳۵۶

در سال‌های آغازین دهه ۵۰، فضای اجتماعی موجود در شهرها چنان عرصه را بر نیروهای متدین و مبارز تنگ کرده بود که به نظر می‌رسید طغیان آنها در انتظار کوچک‌ترین تلنگر و از هر نظر آماده بروز است. به تبع همین وضعیت، در زمستان ۱۳۵۶، مدرسه «اسلام‌شناسی بانوان» در مشهد، همیای رخدادی به یادماندنی برای تاریخ این شهر بود. این مدرسه به از مدت‌ها فعالیت پنهان، در سال ۱۳۴۷ به صورت رسمی تأسیس شد و مدیریت آن بر عهده بانو صدیقه قدسی (دختر آیت‌الله ابوالحسن شیرازی) بود. این مدرسه در کنار سایر مدارس اسلامی بانوان در مشهد، با مبارزات سیاسی بیگانه نبود. فعالیت‌های آنها به دو شکل رسمی یعنی آموزش مباحث دینی و غیررسمی یعنی تعلیم نیروهای

سیاسی انجام می‌گرفت.

■ گام‌های نخست برای ورود به صحنه

در ۱۶ دی ۱۳۵۶ مسجدالرضا یکی از پایگاه‌های مهم مذهبی در مشهد پذیرای جمعیت زیادی بود تا مستمع یکی از سلسله خطابه‌های صریح و جذاب حجت‌الاسلام عبدالکریم هاشمی‌نژاد باشند. نیروهای ساواک بعد از مدتی بررسی و تجسس، آن روز را برای حمله به مسجد و دستگیری سخنران انتخاب کرده بودند اما پس از شروع عملیات، جوانان زیادی وارد معرکه شدند تا از این اتفاق جلوگیری کنند. در نتیجه، با وقوع درگیری، تعدادی از حاضران توقیف شدند و برخی دیگر مورد ضرب و شستم قرار گرفتند؛ لحظاتی که مدرسه اسلام‌شناسی که از مدت‌ها قبل طلاب منتخب و شناخته‌شده‌ای را در محافل خصوصی تعلیم داده بود، برای ثبت یک روز جاودانه تاریخی آماده می‌شد. در خاطرات فاطمه زندی مدیر مدرسه اسلامی «پیروان زهر(س)» آمده است: «عامل اصلی حرکت روز ۱۷ دی‌ماه خانم قدسی بود. او از مدت‌ها قبل برای این روز برنامه‌ریزی می‌کرد». مهدی واعظ طباطبایی از فعالان انقلابی شهر مشهد که از طریق همسرش به طور مستقیم با این رویداد مر تبط بوده است، در مصاحبه‌ای می‌گوید: «این‌کا در حقیقت از طرف مکتب اسلام‌شناسی برنامه‌ریزی شده بود اما برای اینکه امنیت مدرسه حفظ شود، به شکل غیرمحسوس به همسر بنده و چند نفر از افراد شناخته شده اعلام کرده بودند که فردا برای برنامه‌ای در حسینیه نخودبربزها جمع شوید. دلیل اصلی حضور در این حسینیه را بیان نکرده بودند، چون به طور مسلم اگر ساواک مطلع می‌شد، این حرکت را از نطفه خفه می‌کرد».

■ روز واقعی زنان

علی شیرخانی در کتاب خود با اشاره کوتاهی به این اتفاق، روز واقعی زنان را زمانی می‌داند که «در سالروز کشف حجاب عده زیادی از زنان محجبه مشهد برای اعتراض به رژیم شاه، اولین تظاهرات باشکوه خود را در سطح شهر آغاز کردند».

به غیر از خشم نیروهای مذهبی به خاطر حمله پلیس به مسجدالرضا(ع)، دو واقعه دیگر اهمیت و حساسیت این روز را در شهرهای ایران به‌ویژه مشهد تشدید می‌کرد. در ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقالاتی با اسم مستعار احمد رشیدی مطلق با عنوان «استعمار سرخ و سیاه» در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید که لبه تیز آن متوجه شخصیت آیت‌الله خمینی بود. در همان شماره از روزنامه، مطالب دیگری راجع به آزادی زنان و تحسین کشف حجاب و قول اشرف پهلوی به چاپ رسیده بود اما مقاله‌ای که توانست احساسات انباشته شده مردم را که سال‌ها در سینه‌ها حبس شده بود، آزاد کند، نگارش مقاله اول بود. از سوی دیگر، بنا بر خاطرات برخی شاهدان، هر ساله در روز ۱۷ دی زنانی از سازمان‌ها و جامع وابسته به رژیم به منظور گرامیداشت روز کشف حجاب، اقدام به راهپیمایی در خیابان‌های اصلی شهرهای بزرگ از جمله مشهد می‌کردند. رژیم از یکی از این مراکز به نام «سازمان زنان» به عنوان دست راست خود یاد می‌کرد و با مشارکت آنها دیگر هیچ مانعی برای رسیدن به تمدن بزرگ نمی‌دید. بااین شرایط، حضور همزمان بانوان مذهبی در آن روز، مخاطره‌انگیز به نظر می‌رسید. در خاطرات یکی از شاهدان آن روز آمده است: «می‌گفتند عده‌ای از بانوان مدرسه اسلام‌شناسی مشهد قرار است راه بپوشند و راهپیمایی کنند. در مقابل، زنانی هم قرار بود مثل هر سال در ۱۷ دی تاج گل بپزند و به مجسمه رضاشاه اهدا کنند. من ادم فلکه آب دیدم تعدادی خانم جادر مشکلی بدون هیچ پرچمی در حال راهپیمایی هستند؛ تعدادشان تقریباً ۱۵ نفر بود. من رفتم جلو و با آنها همراه شدم. آهسته آهسته حرکت کردیم تا تعدادی از خانم‌های دیگر به ما بپیوستند. در آن زمان پرچم‌ها را باز نکردیم که در آنها نوشته شده بود: «ما زنان ایران این روز را روز شومی می‌دانیم و با آن مبارزه می‌کنیم». کم‌کم جمعیت به حدود ۳۰۰ نفر رسید.» راهپیمایی از خیابان شاهرضا (شهید اندرزگو)، به سوی میدان آملی (شهید) ادامه یافت. در حالی که هیچ شعاری داده نشد و فقط پرچم‌هایی در محکومیت کشف حجاب و دستگیری توقیف‌شدگان روز قبل (۱۶ دی) در دست راهپیمایان دیده می‌شد.

■ درگیری و توقیف بانوان

غلامرضا جلایی نوسبند کتاب تقویم تاریخ خراسان می‌نویسد آن روز حین راهپیمایی، عده‌ای از بانوان نیز مشغول توزیع اعلامیه بین تماشاچیان اطراف بودند. رژیم در آن روز با استفاده از گروه‌های چماق به دست به راهپیمایان حمله کرد و تعداد زیادی را مورد ضرب و شتم قرار داد. بر اساس شواهد، برخی از بانوان تا مدت‌ها از کودوی در دره‌ها جانمده از ضربه چماق و باتوم رنج می‌بردند. در همان روز بعد از تعقیب و گریز، ۱۵ نفر از زنان را دستگیر کردند و با اتومبیل‌های مخصوص به کلانتری انتقال دادند. تعداد شاهد بودند که برخی از آنها بدون هیچ ترسی مقاومت کرده، با پلیس درگیر می‌شدند و بلند شعار می‌دادند. در کتاب انقلاب اسلامی و مردم مشهد از آغاز تا استقرار جمهوری اسلامی می‌خوانیم: «به قرار اطلاع، پلیس در کوچه نو، جنب اداره ثبت سابق، عده‌ای از بانوان تظاهرکننده را تعقیب می‌کند. در این تعقیب، متجاوز از ۱۵ نفر از بانوان به پاختاست دستگیری و بقیه پر اکند می‌شوند. آن گونه که شنیدم، بانوان دستگیر شده را به کلانتری ۵ می‌برند و سخت مورد تحقیق و اِذا و شکنجه قرار می‌دهند».